

تأثیر گزارش‌های خبری خشونت‌بار تلویزیونی بر هیجانات

شهناز هاشمی، استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش،

shahnaz_hashemi@yahoo.com

چکیده: این مقاله بخشی از یک پژوهش است که هدف از انجام آن، تعیین میزان تأثیر گزارش‌های خبری خشونت‌بار تلویزیونی بر تجربیات هیجانی بوده است. ضمناً، این پژوهش مطالعه‌ای تجربی از نوع آزمایشگاهی کوتاه مدت بوده است. در این پژوهش ۸۰ دانشجوی علمی-کاربردی فرهنگ و هنر که به صورت داوطلبانه برای تماشای ۱۰ گزارش خبری که ۵ سطح خشونت را به نمایش گذاشته بود شرکت کردند. از آنها خواسته شده بود که پس از هر گزارش خبری احساسات ذهنی خود را بر اساس پرسشنامه «میزان افتراقی ایزارد» در طیف لیکرت بیان کنند. اندازه‌گیری دو عامل «نوع خشونت» و «نوع احساس بینندگان» نشان داد که خشونت در اخبار تلویزیونی بسته به نوع خشونت به تصویر کشیده شده، هیجان‌های منفی را فراخوانی می‌کند. به طور کلی، مشاهده شد که «تحقیر و ترس» کمترین حس تجربه شده در گزارش‌های خبری خشونت‌بار می‌باشد. در عوض، مشاهده شد که مخاطبان گزارش‌های خبری خشونت‌بار احساسات خود را بیشتر با هیجان‌های مهم دیگری چون خشم و نفرت نیز واکنش نشان می‌دهند. این امر بیانگر نوعی نگرانی نسبت به انسجام نظم اجتماعی و عدم تأیید دیگران است. احساساتی که در واکنش به رنج دیگران همچون غم و ترس ابراز می‌شود بسیار به ندرت صورت می‌گیرد. نتایج حاصله عمدتاً بیانگر شبکه‌ای پیچیده از روابط بین متغیرهای رسانه‌ای، خصوصیات بینندگان و فرآیندهای هیجانی می‌باشد.

واژگان کلیدی: احساسات، تلویزیون، خبر، خشونت، خشونت خبری، تحقیر و ترس، رنج دیگران.

مقدمه

این مقاله بر آن است که تأثیر اخبار بر هیجان افراد را نشان دهد. میزان ترس، خشم، تحقیر، تنفر و غم افراد در مقابل گزارش‌های خبری بدون خشونت یا گزارش‌های خبری خشونت‌بار عمدی و غیر عمدی که می‌تواند بر انسانها یا بر اشیا باشد را بسنجد. برای این منظور از نظریه ارزیابی و مدل ارزیابی شرر استفاده کرده ایم. هدف پژوهش، سنجش تجربی این موضوع بود که مخاطبان گزارش‌های خبری خشونت‌بار تلویزیونی چه احساسات ذهنی را بیشتر تجربه می‌کنند. از آنجا که خشونت می‌تواند به اشکال مختلف ظاهر گردد، تصور بر آن بوده که نه تنها احساسات ذهنی ناشی از ترس بلکه طیف وسیعی (عمدتاً منفی) از احساسات مورد تأثیر قرار خواهند گرفت. بنابراین سوال اصلی این مقاله این است که احساسات ذهنی تجربه شده توسط بینندگان اخبار تلویزیونی کدامند؟ و شدت این احساسات به چه میزان است؟

طرح مسئله

با توجه به فراگیر شدن خشونت در رسانه‌ها و ایجاد نگرانی زیاد در جامعه، تحقیق در مورد اثرات خشونت رسانه‌ای، تاریخچه‌ای طولانی دارد. به دلایل تاریخی، اغلب این مطالعات اثرات برانگیختگی فیزیولوژیکی را هدف قرار داده‌اند، در حالی که امروزه، این نوع مطالعه‌ها نوعی مفهوم‌بندی ساده انگارانه از اثرات هیجانی محسوب شده و مورد انتقاد زیادی قرار گرفته‌اند (کاسیوپو^۲ و برتسن^۳ و کرایتز^۴، ۱۹۹۶، ص. ۷۲) و (ریسنزین^۵، ۱۹۸۳، ص. ۲۳۹). ضمناً بیشتر مطالعات انجام شده، اثرات رفتاری ناشی از خشونت به خصوص رفتارهای پرخاشگرانه را تفسیر کرده‌اند (موری^۶، ۲۰۰۳، ص. ۱۴۳) پژوهش‌هایی نیز در ایران به رابطه تماشای خشونت و رفتار پرخاشگرانه پرداخته‌اند حسینی (۱۳۸۷: ۸۱) و عبدالخالقی، دواجی، صحبایی، محمودی (۱۳۸۴: ۱۴۱) و عالی‌خانی، زارع، باهنر، رمضان‌خانی، دلاور، رهبانی، صالحی‌سیجانی (۱۳۸۶، ص. ۴۵). توسلی و فاضل (۱۳۸۱) رابطه تأثیر برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی بر رفتار کودکان با عواملی چون پایگاه اجتماعی و اقتصادی سنجیده‌اند.

اما تاکنون تأثیرات هیجانی گزارش‌های خبری (غیر از تأثیر بر ترس) به طور نظام‌مند بر روی بزرگسالان در ایران مورد مطالعه قرار نگرفته‌است. در سایر کشورها هم به طور جدی مورد ارزیابی قرار نگرفته‌است (ورث و اسکران^۷، ۲۰۰۵: ۳). بیشتر تحقیقات موجود، بر روی فیلم‌های داستانی و تخیلی^۸ همچون فیلم‌های اکشن و بازی‌های کامپیوتری معطوف بوده است (بریانت و وردرر^۹، ۲۰۰۶) که هدف اولیه این ژانرها سرگرم کردن مخاطب و هدف مهمترشان تحت تأثیر قرار دادن احساسات و هیجانات مخاطبان است.

بر طبق «قانون واقعیت آشکار»^{۱۰} فریجا^{۱۱} (۲۰۰۷)، هیجان‌ها اساساً توسط حوادثی که واقعی به نظر می‌رسد، برانگیخته می‌شوند. بنابراین انتظار داریم شخص هنگامی که ژانرهای غیر تخیلی همچون اخبار تلویزیونی را تماشا می‌کند تأثیرات هیجانی قویتری را تجربه کند. اگرچه نظر مردم بر این است که اخبار تلویزیونی انتقال دهنده حقایق بوده و باید به طور غیر هیجانی به مخاطبان اطلاع رسانی شود، تحقیقات انجام شده در مورد

استفاده-خشنودی^{۱۲} از برنامه‌ها نشان داده‌اند که ایجاد هیجانات برای بعضی از مخاطبین انگیزه‌ای است که مردم را به سوی رسانه‌های خبری جلب می‌کنند (وینر^{۱۳}، ۱۹۸۵، ص. ۱۷). بر طبق نتایج مک کویل^{۱۴}، اخبار بیش از آنکه برای کسب اطلاع باشند در خدمت نیازهای افراد قرار می‌گیرند. حداقل برای برخی از افراد، شاید نه بیشتر آنان، تماشای خبر موضوعی برای اطلاع کامل از اخبار نیست، بلکه بیشتر برای سرگرمی و فعالیت اجتماعی است (مک کویل، ۲۰۰۱، ص. ۳۹۳). علاوه بر این، تحلیل محتوایی نشان داده‌است که خشونت در گزارش‌های خبری تلویزیونی موضوعی حائز اهمیت می‌باشد وینترهوف-اسپارک^{۱۵}، (۱۹۹۸، ص. ۲۴۵)؛ وینترهوف-اسپارک و همکاران (۲۰۰۵، ص. ۲۲۵). بنابراین منطقی است که توجه بیشتری به اثرات هیجانی گزارش‌های خبری خشونت بار تلویزیونی معطوف گردد. جستجوهای که در سایت پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پایان نامه‌های دانشگاه آزاد اسلامی تهران و واحد علوم و تحقیقات تهران، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه، مجله جهانی رسانه، مجله پژوهش‌های ارتباطی و پژوهش‌هایی که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران انجام شد بیانگر این واقعیت است که در کشور ما تحقیقات کافی درباره آثار تماشای برنامه‌ها و صحنه‌های خشن خبری تلویزیونی صورت نگرفته و آنچه مبنای داوری ماست تا حد زیادی ماحصل تحقیقات غربی‌ها در این زمینه است. این مقاله بازنمایی از پژوهش بومی-کاربردی راجع به آثار تماشای گزارش‌های خبری خشن از تلویزیون است.

چارچوب نظری: تبیین نظری خشونت در رسانه با مدل فرآیندهای اجزاء شرر

تأثیرات هیجانی را می‌توان در سطوح متفاوت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. تمرکز تحقیقات انجام شده در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بر سطح واکنش‌های بدنی همچون برانگیختگی کلی بوده و تأثیرات منتقل شده هیجانی را سوء اسناد برانگیختگی ناشی ادراک رسانه و یا تأثیرات رسانه توصیف کرده‌اند. امروزه، بیشتر نظریه پردازان از دیدگاه چند سطحی که به موجب آن هیجانات از اجزاء متعددی تشکیل شده است، حمایت می‌کنند (فریجا، ۱۹۸۶؛ لازاروس، ۱۹۹۱).

در حال حاضر چارچوب نظری غالب در مورد فراخوانی احساسات، نظریه ارزیابی است. برخی صاحب‌نظران قویاً معتقدند که احساسات به واسطه پردازش اطلاعاتی به وجود می‌آیند که از یک سو، وضعیت شخص و حوادث خاص را با اهداف، نیازها و نگرانی‌های او مرتبط می‌نماید و از سوی دیگر ظرفیت وی برای سازگاری را موجب می‌گردد. این فرآیند، که به مقدار زیادی تحت تأثیر نوشته‌های مگدا. بی آرنولد قرار دارد، در حال حاضر عموماً تحت عنوان «فرآیند ارزیابی» شناخته شده (کاپاس، ۲۰۰۱، ص. ۱۵۷) و به عنوان فرآیندی آنی، شهودی، بیشتر ناخودآگاه و مستقیم تلقی می‌گردد. نظریه‌های ارزیابی مدعی‌اند که ارزیابی‌ها هسته اصلی فرآیند هیجانی بوده و آغازگر تغییرات خاص روانشناختی، چهره‌ای، رفتاری و دیگر تغییرات تشکیل دهنده حالت هیجانی حاصله می‌باشند (برای مثال؛ روزمن و اسمیت، ۲۰۰۱، ص. ۳).

یک مدل مشهور ارزیابی، مدل فرآیندهای اجزاء هیجان است که توسط شرر مطرح گردید وی برای تصویر کشیدن هیجان به عنوان یک فرآیند (شرر، ۲۰۰۱، ص. ۹۳)، هیجان را «رخدادی شامل تغییرات به هم

پیوسته و همزمانی توصیف نمود که در حالات همه یا بیشتر از پنج سیستم فرعی ارگانیک، که در پاسخ به ارزیابی یک رخداد بیرونی یا درونی مربوط به نگرانی‌های اصلی موجود زنده صورت می‌گیرد.» توصیف کرد. مدل فرآیندهای اجزاء بین پنج نظام فرعی یک هیجان تمایز قائل می‌گردد: (۱) ارزیابی شناختی (۲) برانگیختگی فیزیولوژیکی (۳) تظاهرات حرکتی بخصوص تظاهرات چهره‌ای (۴) احساسات ذهنی و (۵) انگیزش. این مدل حاکی از آن است که در درون یک رخداد هیجانی، الگویی از فرایندهای سازنده هیجان که توسط ارزیابی شناختی فراخوانده شده، اتفاق می‌افتد. اشخاص به طور مستمر وضعیت جاری را با یک سری ملاک‌های ارزیابی محرک^{۱۶} که شامل مرتبط بودن با ما، اشارات ضمنی، توان بالقوه مقابله و معنادار بودن از لحاظ هنجاری مورد ارزیابی قرار می‌دهند. نتایج حاصل از کنترل، وضعیت هر یک از زیر سیستم‌ها را در سازگاری با رویداد تعدیل و تنظیم می‌کند. تغییرات در همه اجزاء می‌تواند در بعد احساسات ذهنی انعکاس یابد که به نوبه خود کارکردی نظارتی دارد. شرر فرض می‌کند که احساسات، بازنمایی درونی پاسخ‌های ناشی از ارزیابی را با هیجان هماهنگ کرده و منجر به تجربه‌های منحصر بفرد ذهنی می‌شود. این شکل‌های تجربه را می‌توان در حوزه‌های زبان معنایی خاصی مطرح کرد (شرر، دن و فلیکت، ۲۰۰۶، ص. ۹۲).

مدل‌های ارزیابی کنونی ممکن است از نقطه نظر نگاه به هیجانات به عنوان حالات ابعادی و پیوسته به هم یا ناپیوسته و مجزا از هم متفاوت باشند که این نگاه بستگی به این دارد که آنها تنوع ارزیابی‌ها را پیوستاری یا طبقه‌ای تصور کنند. مدل فرآیندهای اجزاء فرض نمی‌کند فقط تعداد محدودی برنامه‌های هیجانی فطری در ارگانیزم وجود دارد. بلکه بیشتر متغیرهای ارزیابی را به عنوان ابعادی که تبیین‌کننده یک «فضای» تجربه هیجانی مداوم و چند بعدی است، تلقی می‌نماید. بنابراین، شخص می‌تواند بطور بالقوه تعداد نامحدودی از هیجانات گوناگون را تجربه کند. بهر حال، نمی‌توان تکذیب نمود که برخی از الگوهای عمده تطابق یا سازگاری در زندگی موجودات زنده انعکاس نتایج الگوهای تکراری ارزیابی محیطی است.

شرر (۲۰۰۱، ص. ۱۰۸) از عبارت هیجانات هنجاری برای بیان حالت‌های ناشی از پیامدهای غالب «کنترل ارزیابی محرک» استفاده می‌کند، پیامدهایی که معلول شرایط کلی زندگی، اجبارهای سازمان اجتماعی و تشابه تجهیزات فطری است. در بیشتر زبان‌های دنیا، هیجانات هنجاری با یک اصطلاح کوتاه کلامی که اغلب یک کلمه است بیان می‌شود (شرر، ۲۰۰۱، ص. ۱۱۳). بنابراین، اصطلاحاتی که ما هر روز برای توصیف تجربیات هیجانی خود استفاده می‌کنیم می‌توانند بیانگر تلاشی کلامی به منظور تاکید و توصیف مهمترین راه‌هایی باشد که تجربیات هیجانی در آن متفاوتند (روزمن و اسمیت، ۲۰۰۱، ص. ۳).

یکی از مزایای نظریه تأثیرگذار شرر (۲۰۰۱، ص. ۹۳) این است که پیش فرض‌هایش را با توجه به فرآیند ارزیابی ارائه داده است (پارکینسون، ۲۰۰۱، ص. ۱۷۳). هفت احساس اصلی وجود دارد که در تمامی فرهنگ‌ها به وسیله حالات مشابهی در چهره بیان می‌شوند. این احساس‌ها عبارتند از: غم، خشم، ترس، تعجب، تنفر، تحقیر و لذت. این حالات‌های جهانی چهره، ماهیتی ذاتی و فطری دارند و با آموختن به دست نمی‌آیند و

حتی آدم‌های کور مادرزاد هم که هیچ‌وقت چهره دیگران را ندیده‌اند، این هفت حالت چهره را درست همانند سایر انسان‌ها نشان می‌دهند (شرر، ۱۹۹۷، ۱۹۹۳، شرر و والبوت، ۱۹۹۴، شرر و سسچی، ۱۹۹۷).

با رجوع به مدل فرآیندهای اجزاء شرر و با توجه به پیش‌بینی روابط بین پیامدهای ارزیابی شناختی و احساسات ذهنی (شرر، ۱۹۹۳، ص. ۳۲۵) ما فرض کردیم که خصوصیات ویژه‌ای از خشونت به تصویر کشیده شده می‌تواند پیامدهای ارزیابی را تحت تأثیر خود قرار دهد و به نوبه خود تظاهرات چهره‌ای را کارکردی نظارتی دارد تحت تأثیر قرار می‌دهد. به ویژه، خشونت به تصویر کشیده شده باید در «کنترل حالت خوشایند» تأثیر کرده و در نتیجه یک ارزشیابی به دست دهد که واقعه مشاهده شده در حقیقت واقعه‌ای ناخوشایند بوده است. این موضوع، به نوبه خود، باید منجر به احساسات ذهنی به شدت منفی‌تری گردد. بر این اساس و برای آزمون این نظریه و قدرت تبیینی آن فرضیه زیر را استخراج و برای سنجش در بخش روش‌شناسی در نظر می‌گیریم.

- فرضیه: مخاطبان گزارش‌های خبری تلویزیونی هرچه میزان خشونت گزارش‌های خبری بیشتر شود، احساسات منفی شدیدتری را تجربه می‌کنند.

خشونت عمدی به تصویر کشیده شده باید واریاسی اسناد علیت و کنترل‌پذیری را تحت تأثیر قرار داده و منجر به این ارزیابی شود که کسی مسئول بروز این اتفاق است و اینکه این اتفاق یا پیامد را می‌توان با عوامل طبیعی کنترل یا تحت تأثیر قرار داد. این امر می‌تواند منجر به احساسات ذهنی یا عاطفه‌ای توأم با احساسات خشم به عنوان یک جزء اصلی گردد.

ملاحظات روش‌شناسی: عملیاتی کردن فرضیه و شیوه‌های اندازه‌گیری روابط علی

برای آزمون فرضیه بخش نظری، آن را به سه رابطه جزئی‌تری تقسیم می‌کنیم:

رابطه علی ۱: مخاطبان گزارش‌های خبری تلویزیونی هنگامی که به گزارش‌های خبری تلویزیونی حاوی خشونت عمدی نگاه می‌کنند در مقایسه با الف) گزارش‌های خبری تلویزیونی بدون خشونت و یا ب) گزارش‌های خبری تلویزیونی که سهواً خشونت را به تصویر می‌کشند، خشم بیشتری را به عنوان یک احساس ذهنی تجربه می‌کنند. به عبارت دیگر خشونت سهوی به تصویر درآمده باید منجر به این ارزیابی گردد که این واقعه بطور اتفاقی صورت گرفته و امکان کنترل آن وجود نداشته است، و در عوض باید بر احساسات ترس، غم و اندوه و یا ترکیبی از اینها به عنوان جزء اصلی تأثیر گذارد.

رابطه علی ۲: مخاطبان گزارش‌های خبری تلویزیونی هنگامیکه به تصاویر گزارش‌های خبری تلویزیونی حاوی خشونت غیر عمدی نگاه می‌کنند در مقایسه با الف) گزارش‌های خبری تلویزیونی بدون خشونت یا ب) گزارش‌های خبری تلویزیونی که بطور عمدی خشونت را نمایش می‌دهند، غم، اندوه و ترس بیشتری را به عنوان یک احساس ذهنی تجربه می‌کنند. دومین جنبه مهم و بالقوه خشونت این است که آیا انسانها و اشیاء صدمه می‌بینند یا خیر. تصور ما این است که لطمه به انسانها (نسبت به اشیاء) منجر به ارزیابی بالاتری از ارتباط (هم ذات‌پنداری) گردیده و در نتیجه منجر به ترکیباتی از احساسات (منفی) شدید می‌گردد.

رابطه علی ۳: مخاطبان اخبار تلویزیونی احساسات ذهنی منفی شدیدتری تجربه می‌کنند هنگامیکه به تصاویر گزارش‌های خبری تلویزیونی که خشونت بر علیه انسانها را نمایش می‌دهند نگاه می‌کنند در مقایسه با تصاویر گزارش‌های خبری تلویزیونی که خشونت بر علیه اشیاء را نمایش می‌دهند. این مطالعه به روش شبه آزمایشی انجام شده که به منظور افزایش درک ما از چگونگی تأثیر خشونت در گزارش‌های خبری تلویزیونی بر احساسات ذهنی مخاطبان طراحی شده است.

در این مطالعه از یک طرح دو عاملی استفاده شده است. عامل اول «نوع خشونت» دارای پنج سطح بود: (۱) عاری از خشونت (۲) خشونت عمدی بر علیه انسانها (۳) خشونت غیر عمدی بر علیه انسانها (۴) خشونت عمدی بر علیه اشیاء (۵) خشونت غیر عمدی بر علیه اشیاء. دومین عامل بیانگر پنج نوع احساس متفاوت (تنفر، غم، ترس، خشم و تحقیر) از بینندگان بوده است. به این ترتیب یک طرح ترکیبی شبه آزمایشی ۵*۵ (نوع خشونت × نوع احساس) مورد استفاده قرار گرفت. ما برای متغیر وابسته حالت احساسی-ذهنی شرکت کنندگان را ثبت نمودیم. برای توصیف این حالات احساس ذهنی، تمرکز ما بر هیجان‌های طبقه‌ای و مجزا از هم بود و از وسیله‌ای استفاده کردیم که تعداد اندکی از هیجانات «نخستین»^{۱۷} را پوشش می‌داد. اگرچه شرر (۲۰۰۱) به تعداد نامحدودی از هیجانات متفاوت اعتقاد داشته و برای هیجانات هنجاری مورد بحث قرار داده است، شخص می‌تواند تصور کند که برچسب‌های طبقه‌ای اصلی که ما برای توصیف تجربیات هیجانی مورد استفاده قرار می‌دهیم بیانگر تلاشی برای مشخص کردن مهمترین راه‌هایی است که این تجارب هیجانی در آن تفاوت دارند. بدین ترتیب برای ارزیابی اولیه احساسات ذهنی، از پرسشنامه «میزان احساس افتراقی ایزارد»^{۱۸} استفاده شد (ایزارد، ۱۹۷۷) ۷ هیجان نخستین را مورد بررسی قرار می‌دهد: لذت، شگفتی، غم و اندوه، خشم، تنفر، ترس، تحقیر و شرم. در این پژوهش از هفت هیجان، پنج هیجان که بیانگر احساس منفی است مورد سنجش قرار می‌گیرد. و هر احساس منفی با ۵ آیتم (گویه) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که بر اساس یک مقیاس لیکرتی پنج درجه‌ای ارزیابی می‌گردد.

متغیرهای مستقل: نوع خشونت

بخش‌های خشونت آمیز اخبار تلویزیونی به شکل زیر تعریف می‌گردند: یک رشته از اخبار تلویزیونی زمانی حاوی خشونت طبقه بندی می‌گردد، اگر پیامدهای مستقیم یا غیر مستقیم آن بصورت اعمال عمدی یا غیر عمدی باعث شود شخص یا چیزی بطور ملموس آسیب ببیند، و از نظر صوتی و یا بینائی قابل مشاهده باشند. طبقه بندی صورت گرفته از طرف ما در مورد انواع مختلف خشونت متمرکز بر علل و پیامدهای خشونت مشاهده شده می‌باشد. ما، انواع خشونت را همراه با سؤالات مربوط به علت (عمدی در برابر غیر عمدی، مثلا حوادث، مصائب) و پیامدها (آسیب به انسانها در برابر آسیب به حیوانات یا اشیاء) به زیر گروه‌هایی تقسیم کردیم. این کار، یک رده بندی دو بعدی با چهار نوع خشونت که بیانگر چهار مشخصه (متفاوت) از این متغیر مستقل هستند بوجود می‌آورد و بدون خشونت به عنوان سطح پنجم ارائه گردید.

شرکت کنندگان و روش‌ها

در روش شبه آزمایشی که مشابه روش آزمایشی است حجم نمونه متفاوت از روش‌های زمینه‌یابی است در مطالعات آزمایشی تحقیق با نمونه‌های کوچک است. نمونه‌هایی در حدود ۳۰ یا بیشتر جزو نمونه‌های بزرگ، و کمتر از آن در نمونه‌های کوچک به شمار می‌روند (شریفی، ۱۳۸۰، ص ۷۱).

در این پژوهش شبه آزمایشی شرکت کنندگان ۸۰ دانشجوی دانشگاه علمی-کاربردی فرهنگ و هنر بودند که اهداف پژوهش برایشان مخفی نگه داشته شد و گفته شده که آنها در مطالعه‌ای برای مقایسه شیوه‌ای بیانی و تصویرگری در اخبار شرکت کرده‌اند. میانگین سنی آنها ۲۹/۳۲ با انحراف معیار ۷/۲۴ بود. تقریباً همگی آنها به صورت داوطلبانه و در پاسخ به یک دعوت از طرف انجمن علمی-فرهنگی دانشجویی شرکت کرده بودند و به یک نوار ویدئویی ۲۲ دقیقه‌ای حاوی ۱۰ گزارش خبری (دو گزارش متفاوت از هر نوع خشونت) نگاه کردند. بعد از هر گزارش خبری، نوار ویدئویی متوقف شده و از شرکت کنندگان پرسیده شد میزان احساسات ذهنی خود را بر اساس درجه‌بندی لیکرت بیان کنند.

گزارش‌های خبری ارائه شده از میان مجموعه‌ای از گزارشات پخش شده توسط کانال ۶ خبر و خبر شبکه اول انتخاب شدند. گزارش‌های انتخاب شده برای نوار ویدئویی محرک بر اساس سه معیار زیر انتخاب شدند: (۱) گزارش‌های خبری باید به کشور ایران متعلق می‌بود. (اخبار مربوط به سایر کشورها مثل سومالی، فلسطین یا کشورهای غربی و شرقی نبود تا تفاوت احساسی به کشورها متفاوت تأثیرگذار نباشد) (۲) گزارش‌هایی که وقایع و حوادث به یادماندنی گذشته را پوشش می‌دادند باید کنار گذاشته می‌شدند (همانند قتل روح اله داداشی یا خشک شدن دریاچه ارومیه) (۳) گزارش‌های خبری می‌باید تا حدودی حتی مورد علاقه گروه آزمایش قرار می‌گرفتند. موضوعات انتخاب شده به شرح زیرند: (۱) خشونت عمدی بر علیه انسانها مانند ترور، قتل همسر (۲) خشونت غیر عمد بر علیه انسانها مانند یک تصادف اتومبیل‌ها در سفرهای تابستانی، ریزش ساختمان (۳) خشونت عمدی بر علیه حیوانات و یا اشیاء مانند از بین رفتن محصولات یک باغ، (۴) خشونت غیر عمد بر علیه حیوانات و اشیاء مانند آتش‌سوزی در بازار و ... (۵) بدون خشونت مانند مصرف مواد مخدر توسط نوجوانان، احتکار کالا. اگرچه برنامه خبری تهیه شده متشکل از گزارش‌های مختلف خبری و کانال‌های مختلف تلویزیونی بود، ولی طوری طراحی شده بود که شبیه به یک گزارش نمونه خبری باشد (همراه با گزارش آب و هوا در پایان و معرفی توسط مجری خبر در ابتدا).

نتایج آزمون و تحلیل یافته‌ها

فرضیه کلی: بینندگان اخبار تلویزیونی هنگام تماشای گزارش‌های خبری خشونت بار در مقایسه با اخبار بدون خشونت، احساسات منفی شدیدتری را تجربه می‌کنند.

جدول شماره ۱. احساسات منفی شرکت کنندگان هنگام تماشای اخبار تلویزیونی با انواع خشونت‌ها

نوع احساس	خشونت عمدی (انسانها)	خشونت غیر عمدی (انسانها)	خشونت عمدی (اشیا)	خشونت غیر عمدی (اشیا)	بدون خشونت	(df) F	η^2
تنفر	۲/۱۴ ۰/۹۰	۱/۳۴ ۰/۶۰	۲/۷۵ ۱/۱۱	۱/۶۵ ۰/۶۹	۱/۵۶ ۰/۶۶	(۴ و ۷۲) ۶۷/۷۸***	۰/۳۵
غمگینی	۲/۱۳ ۰/۷۵	۱/۷۲ ۰/۶۸	۲/۶۰ ۰/۷۸	۱/۷۶ ۰/۶۷	۱/۳۸ ۰/۵۰	(۴ و ۷۰) ۵۱/۲۷***	۰/۴۱
ترس	۲/۱۳ ۰/۷۸	۱/۷۶ ۰/۷۳	۲/۱۶ ۰/۷۶	۱/۷۸ ۰/۷۰	۱/۴۶ ۰/۴۶	(۴ و ۷۴) ۳۳/۵۷***	۰/۲۵
خشم	۲/۸۰ ۱/۰۱	۱/۸۴ ۰/۹۲	۳/۴۵ ۱/۱۲	۲/۱۴ ۰/۹۱	۱/۴۸ ۰/۵۸	(۴ و ۷۶) ۸۱/۰۰***	۰/۴۶
تحقیر	۱/۸۳ ۰/۷۲	۱/۳۶ ۰/۵۲	۱/۹۷ ۰/۷۸	۱/۴۷ ۰/۶۰	۱/۵۳ ۰/۵۰	(۴ و ۷۶) ۲۳/۰۸***	۰/۲۰

توجه: نمره گذاری براساس لیکرت ۵ درجه ای؛ ردیف اول هر خانه میانگین و ردیف دوم انحراف استاندارد می باشد؛ همسانی درونی (آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰) برای همه مقیاس های هیجانی رضایت بخش بود. دو ستون آخری نتایج تحلیل عاملی و اثر میانگین را برای متغیرهای مستقل نشان می دهد. $p < ۰/۰۱$ ***.

با توجه به شدت و نوع احساسات ذهنی تجربه شده، جدول شماره یک نشان می‌دهد که دامنه میانگین مقیاس‌های هیجانی روی یک مقیاس ۵ نقطه‌ای از ۱/۱ تا ۳/۵ در نوسان می‌باشد که نشانگر آن است که بطور متوسط هیچ احساس قوی‌ای تجربه نشده است. علاوه بر این در بیشتر موارد حتی یک مورد احساس غالب دیده نمی‌شود بلکه بیشتر ترکیبی از احساس های ذهنی متفاوت و نه خیلی شدید تجربه می‌گردند.

با مقایسه انواع مختلف خشونت در آن‌ها، یک اثر اصلی روی همه درجات هیجانی اتفاق می‌افتد. قوی‌ترین تأثیرات در مورد خشم، تنفر و غم آشکار شد.

بینندگان اخبار تلویزیونی هنگام دیدن اخبار دارای خشونت در مقایسه با اخبار بدون خشونت، احساسات منفی شدیدتری را تجربه کردند.

✓ خشمی که آنها گزارش کردند: خشونت ($M=۲/۵۸$, $SD=۱/۰۱$)، بدون خشونت ($M=۱/۴۸$, $SD=۰/۵۸$). مقایسه دو به دو درون گروهی برنامه ریزی شده $\eta^2 = ۰/۶۴$ ، $p = ۰/۰۰$ ، به این ترتیب فرض صفر رد می‌شود یعنی بین احساس خشم حاصل از برنامه خشونت‌آمیز و بدون خشونت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

- ✓ تنفیری که آنها گزارش کردند: خشونت ($M=1/97$, $SD=0/83$)، بدون خشونت ($SD=0/66$)، حاصل از برنامه خشونت‌آمیز و بدون خشونت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ✓ غمی که آنها گزارش کردند: خشونت ($M=2/05$, $SD=0/72$)، بدون خشونت ($M=1/39$)، حاصل از برنامه خشونت‌آمیز و بدون خشونت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ✓ ترسی که آنها گزارش کردند: خشونت ($M=1/96$, $SD=0/74$)، بدون خشونت ($M=1/46$)، مقایسه دو به دو درون‌گروهی برنامه‌ریزی شده ($\eta^2=0/14$)، $p=0/00$ ، به این ترتیب فرض صفر رد می‌شود یعنی بین احساس ترس حاصل از برنامه خشونت‌آمیز و بدون خشونت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ✓ تحقیری که آنها گزارش کردند: خشونت ($M=1/66$, $SD=0/66$)، بدون خشونت ($SD=0/50$)، مقایسه دو به دو درون‌گروهی برنامه‌ریزی شده ($\eta^2=0/20$)، $p=0/00$ ، به این ترتیب فرض صفر رد می‌شود یعنی بین احساس تحقیر حاصل از برنامه خشونت‌آمیز و بدون خشونت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ✓ این یافته‌ها همسو با فرضیه شماره یک است.

رابطه علی ۱: بینندگان اخبار تلویزیونی هنگامیکه به اخبار تلویزیونی حاوی خشونت عمدی نگاه می‌کنند در مقایسه با الف) اخبار تلویزیونی بدون خشونت و یا ب) اخبار تلویزیونی که سهواً خشونت را به تصویر می‌کشند، جنبه‌های خشم بیشتری را به عنوان یک احساس ذهنی تجربه می‌کنند.

- ✓ بینندگان اخبار تلویزیونی خشم بیشتری را گزارش کردند هنگامی که اخبار تلویزیونی حاوی خشونت عمدی را تماشا نمودند ($M=1/10$, $SD=3/12$) در مقایسه با اخبار تلویزیونی بدون خشونت ($M=1/48$, $SD=0/58$)، $\eta^2=0/64$ ، $p=0/00$ ، یا اخبار تلویزیونی که خشونت غیر عمد را به تصویر می‌کشند ($M=1/66$, $SD=0/92$)، $\eta^2=0/57$ ، $p=0/00$.

این یافته‌ها همسو با فرضیه شماره دو است.

رابطه علی ۲: بینندگان اخبار تلویزیونی هنگامیکه به اخبار تلویزیونی حاوی خشونت غیر عمدی نگاه می‌کنند در مقایسه با الف) اخبار تلویزیونی بدون خشونت یا ب) اخبار تلویزیونی که بطور عمدی خشونت را به تصویر می‌کشند، غم و ترس بیشتری را به عنوان یک احساس ذهنی تجربه می‌کنند.

- ✓ بینندگان اخبار تلویزیونی غم و اندوه بیشتری را گزارش کردند هنگامیکه اخبار تلویزیونی حاوی خشونت غیر عمد را گزارش کردند ($M=1/74$, $SD=0/67$)، در مقایسه با اخبار تلویزیونی بدون خشونت ($M=1/39$, $SD=0/49$)، $\eta^2=0/20$ ، $p=0/00$.

✓ بینندگان اخبار تلویزیونی ترس بیشتری را هنگام تماشای اخبار تلویزیونی حاوی خشونت غیر عمد گزارش نمودند ($M=1/77$, $SD=0/71$) در مقایسه با اخبار تلویزیونی بدون خشونت

دارد. $(M=1/46, SD=0/46, \eta^2=0/14, p=0/00)$. این موضوع با قسمت الف فرضیه سوم سازگاری دارد.

✓ در عین حال بر خلاف انتظار ما، آنگونه که در قسمت ب ذکر شد شرکت کنندگان ترس و غم بیشتری را هنگام دیدن اخبار دارای خشونت غیر عمد در مقایسه با خشونت عمدی، گزارش نکردند، در عوض آنها ترس و غم بیشتری را هنگام دیدن خشونت عمدی گزارش نمودند.

✓ ترس: خشونت عمدی $(M=2/15, SD=0/77)$ ، خشونت غیر عمد $(M=1/77, SD=0/71)$ ، $\eta^2=0/36, p=0/00$.

✓ غم: خشونت عمدی $(M=2/36, SD=0/76)$ و خشونت غیر عمد $(M=1/74, SD=0/67)$ ، $\eta^2=0/53, p=0/00$.

رابطه علی ۳: بینندگان اخبار تلویزیونی احساسات ذهنی منفی شدیدتری تجربه می‌کنند هنگامیکه به اخبار تلویزیونی که خشونت بر علیه انسانها را به تصویر می‌کشند نگاه می‌کنند در مقایسه با اخبار تلویزیونی که خشونت بر علیه اشیاء را به تصویر می‌کشند.

شرکت کنندگان، هنگام تماشای خشونت علیه انسانها در مقایسه با خشونت علیه اشیاء

✓ خشم کمتر: خشونت بر علیه انسانها $(M=2/32, SD=1/10)$ ، خشونت بر علیه اشیاء $(M=2/80, SD=1/02)$ ، $\eta^2=0/28, p=0/00$ و

✓ غم کمتری: خشونت بر علیه انسانها $(M=1/92, SD=0/72)$ ، خشونت بر علیه اشیاء $(M=2/18, SD=0/72)$ ، $\eta^2=0/18, p=0/00$ ، $F(1,98)=21/53$ ، گزارش نمودند.

✓ برای ترس تفاوتی بدست نیامد: خشونت علیه انسانها $(M=1/94, SD=0/75)$ ، خشونت علیه اشیاء $(M=1/97, SD=0/73)$ ، $F(1,101)=1/06, ns^9$.

نتیجه‌گیری و بحث

هدف این پژوهش افزایش درک درباره این موضوع بوده است که چگونه خشونت در اخبار تلویزیونی پاسخ‌های هیجانی بالاحص احساسات ذهنی بینندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به پیش‌بینی‌های موجود در مورد ارتباط بین پیامدهای ارزیابی و احساسات ذهنی اظهار شده توسط شرر (۱۹۹۳)، نتایج حاصله حاکی از آن است که نوع خشونت به تصویر کشیده شده در یک گزارش خبری شدت و بافت احساسات ذهنی تجربه شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر حوادث خشن در تلویزیون ارائه گردند بینندگان اخبار، در مقایسه با گزارش‌های خبری غیر خشونت‌بار احساسات به اصطلاح منفی‌تر را گزارش می‌کنند. وقتی بینندگان در معرض اخبار حاوی تصاویر خشونت عمدی قرار گرفتند، احساسات منفی قوی‌تری در مقایسه با خشونت غیر عمد گزارش نمودند. گرچه شرکت کنندگان عمدتاً خشم بیشتری را گزارش کردند ولی برخلاف انتظارات ما، آنها همچنین احساسات بیشتری از ترس و غم را نیز گزارش نمودند. شاید این مسئله به این دلیل باشد که بینندگان در برابر تمام

خشونت‌های عمدی آورده شده به خانه‌شان از طریق رسانه مدرن، احساس درماندگی و احساس عدم کنترل دارند. در عین حال یک نتیجه غیر قابل انتظار و چشمگیر نیز وجود داشت. انتظار ما این بود که صدمه به انسانها در مقایسه با اشیاء می‌باید احساسات (منفی) را تشدید نماید، در صورتیکه این مورد درست نبود. شرکت کنندگان احتمالاً به خشونت علیه اشیا و محیط زیست و... عکس العمل شدیدتری نشان می‌دهند.

چهار پژوهش در ایران در زمینه تاثیر فیلمهای پرخاشگرانه انجام شده است (علیپور، آگاه هریس، سیادتی و نوربالا، ۱۳۸۱)، (علیپور، آگاه هریس، ۱۳۸۷)، (بهرامی احسان، بهرامی احسان و شفیعی تبار، ۱۳۸۷) و (عریضی، هاشمی ۱۳۹۱). در پژوهش اول چهار بازی خشن رایانه‌ای یعنی جی. تی. ای، کانتر استرایک، ژنرال و تشکیل خانواده سیمز و در مقاله دوم و سوم یک فیلم خشن و در پژوهش چهارم ۵ فیلم که همگی در ایران به نمایش در آمده بود مورد بررسی قرار گرفتند. همه آنها نشان می‌دهند که فیلمها موجب خشونت در افراد می‌شوند ولی تفاوت اصلی در بین فیلمها در میزان خشونت القا شده است. عریضی، هاشمی در پژوهش خود نشان دادند که فیلمها با درجه بندی خشونت بالاتر پرخاشگری بیشتری ایجاد می‌کنند. و نتایج تحلیل چند متغیره برای درجه بندی خشونت و افکار پرخاشگرانه نشان داده شد که هم نوع فیلم و هم تحریک پذیری معنادار بوده است. اثرهای تعاملی نوع فیلم و بازداری محرک و نیز اثر تعامل چند گانه نوع فیلم، جنسیت و بازداری محرک معنی دار بوده است (عریضی، هاشمی، ۱۳۹۱).

اکثر شواهد نشان می‌دهد که مشاهده خشونت در تلویزیون، بروز رفتار تهاجمی فوری را افزایش داده و در دراز مدت تأثیر ناشناخته‌ای بر خشونت جدی دارد. شواهد کافی در مورد تأیید انواع رسانه‌ها بر خشونت وجود ندارد (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۶) سه جنبه ترویج خشونت توسط فیلم‌های پرخاشگرانه تلویزیون را کریمی (۱۳۸۸) بر شمرده است که شامل حساسیت‌زدائی نسبت به پرخاشگری، نیاز به خشونت فزاینده برای به هیجان آمدن و سوم تعمیم افراطی پرخاشگری است.

می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که پژوهش انجام شده حاکی از آن است که نوع خشونت در یک گزارش خبری با استفاده از فرآیندهای ارزیابی می‌تواند ترکیب هیجانی احساسات ذهنی تجربه شده توسط بینندگان را تحت تأثیر قرار دهد. بر خلاف نقش برجسته ترس در تحقیقات موجود، نتایج ما حاکی از آن است که خشونت طیف وسیعی از احساسات، بالاخص احساسات خشم، غم و تنفر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در نهایت اخبار ترکیبی جالب و بسیار پیچیده از احساسات تجربه شده را تولید می‌کند. این موضوع دلالتی قوی بر این دارد که دیدن اخبار تلویزیونی عمیقاً ریشه در فرآیندهای هیجانی ادراک رسانه‌ای دارد.

پیشنهادها

۱- همه رسانه‌ها درباره گزارش‌های خبری خشونت آمیز مطالبی را درج می‌کنند که انتشار مکرر اینگونه اخبار بر احساسات مردم تاثیر نامطلوبی گذاشته و احساسات خشم، ترس، غم، تحقیر و تنفر را در بین مخاطبان تقویت می‌کند.

اگرچه اخباری که پیرامون خشونت عمدی و حتی غیرعمدی بین انسانها یا اشیا در تلویزیون انتشار می‌یابد

موجب تهدید سلامت روانی و احساسی می‌شود اما می‌توانند با اطلاع‌رسانی به هنگام، جامع و مفید درباره وقوع خشونت و علل شکل‌گیری آن، یا پیامدهای منفی خشونت با هدف جلوگیری از خشونت صورت پذیرد. بنابراین لازم است در ارتباط با پخش گزارش‌های خبری خشونت‌آمیز تحلیل کارشناسی انجام گیرد به این ترتیب که نسبتی

گزارش‌های خبری خشونت‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز برقرار شود و سهم اخبار غیر خشونت‌آمیز بیش از گزارش‌های خبری خشونت‌آمیز در هر برنامه خبری باشد به طوری که در هر برنامه خبری برآیند احساسات مخاطب به سمت هیجانات منفی نباشد.

۲- مسئله دیگر این است که گزارش‌های خبری خشونت‌آمیز با تکنیک برجسته‌سازی اخبار همراه نگردد. اگرچه انواع خشونت از جمله موضوعاتی هستند که مورد توجه مخاطبان رسانه‌ها قرار می‌گیرد. اما رسانه‌ها این گونه اخبار را برجسته‌سازی و در نهایت برای هر خبر خشونت‌آمیز هدفی معین و ارزشمند در نظر گرفته شود و صرفاً به دلیل جذب مخاطب گزارش‌های خبری خشونت‌آمیز پخش نشود به طور مثال اگر خبری، خشونت بر محیط زیست یا منابع زمینی را می‌گوید دقیقاً به منظور مشارکت مردم برای حفظ آن صورت پذیرد و ورود به حوزه‌هایی که مردم نقشی در حفظ آن ندارند ارائه نگردد.

۳- هنگامی که از اخبار خشونت‌آمیز صحبت می‌شود طیف وسیعی را شامل می‌شود که می‌توان بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر آنها را از پرخاشگری عمدی و غیرعمدی بر انسان یا اشیا درجه بندی کرد. می‌توان از سطح خشونت اخبار با همراه ساختن آن با اخبار امیدبخش و روزمره کاست و یا نشان داد که خشونت اگر هم وجود دارد نیازی به نمایش صحنه‌ای از آن در بالاترین سطح نیست زیرا این نوع اخبار هیجان‌های نخستین منفی را افزایش می‌دهند. این تلویحی مهم برای تهیه‌کنندگان برنامه خبری است که ناگزیر به توجه به ارزش خبری درگیری هستند.

پی‌نوشت‌ها

-
- ² -Cacioppo
 - ³ -Bernston
 - ⁴ -Crites
 - ⁵ -Reisenzein
 - ⁶ -Murray
 - ⁷ -Wirth & Schramm
 - ⁸ -Fictional
 - ⁹ -Bryant & Vorderer
 - ¹⁰ -law of apparent reality
 - ¹¹ -Fridja
 - ¹² -uses-and-gratifications
 - ¹³ -Wenner
 - ¹⁴ - McQuail
 - ¹⁵ -Winterhoff-Spurk
 - ¹⁶ -Stimulus evaluations checks
 - ¹⁷ -basic
 - ¹⁸ -Differentielle Affekt Skala (DAS, Izard)
 - ¹⁹ Non significant

منابع

منابع فارسی

- بهرامی‌احسان، ز.، بهرامی‌احسان، ه. و شفیع‌تبار، م. (۱۳۸۶). تأثیر مشاهده فیلم‌های حادثه‌ای بر غلظت ایمونو گلوبین نوع ترشحی وجود در بزاق، پژوهش در سلامت روان شناختی، ۱۳۸۶، جلد ۱، شماره ۳، صص ۶۷-۷۵.
- توسلی، غ. و فاضل، ر. (۱۳۸۱). تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و رفتار والدین بر اثربخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان. مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ۴، شماره ۳، صص ۱۱۵-۱۴۷.
- حسینی، م. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان. مرکز تحقیقات صدا و سیما. سال ۱۵، شماره ۵۴، صص ۸۱-۱۰۰.
- سازمان جهانی بهداشت - ژنو (۱۳۸۶). گزارش جهانی خشونت و سلامت، مرکز تحقیقات سلامت زنان فردا، مؤسسه تحقیقات بهبود زندگی زنان، مترجمین: م. افتخاری، ش. رفیعی‌فر، ج. کرمانچی، ۱۳۸۶، ناشر تندیس، چاپ اول ۱۳۸۶.
- شریفی، ح. و شریفی، ن. (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: سخن.
- عالی‌خانی، س. باهنر، ع. رمضان‌خانی، ع. دلاوری، ع. رهبانی، ش. و صالحی‌سیجانی، م. (۱۳۸۶). بررسی همبستگی بین تماشای تلویزیون و ویدئو با رفتارهای خشونت‌آمیز در دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی و متوسطه شهرستان پاکدشت در سال ۱۳۸۴. مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی. تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سال ۱۷، شماره ۴۷ (۱)، صص ۴۵-۵۰.
- عبدالخالقی، م. دواجی، ا. صحبائی، ف. و محمودی، م. (۱۳۸۴). بررسی ارتباط بازی‌های ویدئویی - رایانه‌ای با پرخاشگری در دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی تهران سال ۱۳۸۲. مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، سال ۱۵، شماره ۴۱ (۳)، صص ۱۴۵-۱۴۱.
- عریضی، ح. هاشمی، ش. (۱۳۹۱). اثر تعامل جنسیت و بازداری از تحریک‌پذیری و نوع فیلم‌های تلویزیونی در پرخاشگری ادراک شده در دانشجویان. مجله علوم رفتاری. دوره ۶، شماره ۲، (۳) ۱۳۹۱. صص ۱۵۷-۱۴۷.
- علی‌پور، ا. آگاه‌هریس، م. سیادت، م. و نوربالا، ا. (۱۳۸۸). تأثیر بازی‌های رایانه‌ای با محتوای متفاوت خشونت و میزان IGA ترشحی، کورتیزول بزاقی و درجه حرارت بدن، مجله علوم رفتاری. سال سوم، شماره ۱ (پیاپی ۷)، صص ۸-۱.
- علی‌پور، ا. و آگاه‌هریس، م. (۱۳۸۷). علی‌پور احمد، آگاه‌هریس مژگان، تأثیر درجه خشونت بازی‌های رایانه‌ای بر پاسخ‌های قلبی و عروقی نوجوانان با در نظر گرفتن سنخ‌های شخصیتی. فصلنامه روانشناسی، سال دوازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۴۷). صص ۲۶۲-۲۵۲.
- کریمی، ی. (۱۳۸۸). روان‌شناسی اجتماعی، چاپ بیست و یکم، نشر ارسباران.
- مک کوایل، د. (۱۳۸۵). نظریه ارتباط جمعی. ترجمه، پ. اجلالی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ اول.

منابع لاتین

- Bryant, j., & Vorderer, p. (2006). Psychology of entertainment. Mahwah: NJ: Erlbaum.
- Cacioppo, J., Berntson, G., & Crites, S. (1996). Social neuroscience: Principles of psychological arousal and response. In E. Higgins, & A. Kruglanski, Social psychology: Handbook of basic principles (pp. 72-101). New York: Guilford.

- Frijda, N. (2007). *the laws of emotion*. Mahwah: NJ: Erlbaum.
- Izard, C. (1977). *Human emotion*. New York: plenum.
- Kahn, P. (1997). Developmental psychology and the biophilia hypothesis: Children's affiliation with nature . *Developmental Review* , 1-61.
- kappas, A. (2001). A metaphor is a metaphor is a metaphor. Exorcising the homunculus form appraisal theory. In K. Scherer , A. Schorr, & T. Johnston , *Appraisal processes in emotion: Theory, methods, research* (pp. 157-172). New York : Oxford: Oxford University Press.
- Lang , A. (2002). the limited capacity model of mediated message processing. *journal of communication*, 46-70.
- Lazarus, R. (1991). *Emotion and adaptation* . New York: oxford university Press.
- Mc Quail, D. (2001). Television news research: Retrospect and processing. In D. Mc Quail, & N. Jankowski, *Television news research: Recent European approach- es and findings* (pp. 393-402). Berlin: Quintessence publishing .
- Merten , J., & Krause , R. (1993). DAS (Defferentielle Affekt Shaka) [Differential Affect Scale]. saabrucken, Germany: Saarland University, Department of phycology .
- Murray, J. (2003). The violent face of television: Research and discussion. In E. Palmer , & B. Young, *The face of televisual media: Teaching, violence, and selling to children* (pp. 143-160). Mahwah: NJ: Erlbaum.
- Pakinson, B. (2001). Putting appraisal in context. In K. Scherer, A. Schorr, & T. Johnstone, *Appraisal processes in emotion: Theories, methods, research* (pp. 173-186). New York: Oxford university Press .
- Reisenzein, R. (1983). the Schachter theory of emotion: two decades later . *Psychological Bulletin*, 239-264.
- Roseman, I. (1991). Appraisal determinants of discrete emotions. *Cognition and Emotion* , 161-200.
- Roseman, I., & Smith , C. (2001). Appraisal theory: Overview, assumptions, varieties, controversies. In K. Scherer , A. Schorr, & T. Johnstone , *Appraisal process in emotion: theory methods, research* (pp. 3-19). New York: Oxford university press.
- Scherer, K. (1993). Stunding the emotion - antecedent appraisal process: An expert – system approach. *Cognition and Emotion* , 325-355.
- Scherer, K. (1997). Profiles of emotion - antecedents appraisal: Testing theoretical predictions across culture. *Cognition and Emotion*, 113-150.
- Scherer, K. (1998). Emotionprozesse im Medienkontext: for schungillustrationen und Zukunftsperspektiven [emotion processes in media context: Research illustrations and future prospects]. *Medienpsychologie*, 276-293.
- Scherer, K. (2001). Appraisal considered as a process of mul. Tilevel sequential checking. In K. Scherer, A. Schorr, & T. Johnstone , *Appraisal process in emotion: Theory methods, research* (pp. 92-120). New York: Oxford: oxford university Press.
- Scherer, K. (2005). What are emotions? And how can they be measured? . *Social science Information*, 695-729.

- Scherer, K., & Ceschi, G. (1997). Lost luggage: A field study of emotion - antecedent appraisal. *Motivation and emotion* , 211-235.
- Scherer, K., Dan, E., & Flykt, A. (2006). What determines feeling's position in affective space? A cases for appraisal. *Cognition and Emotion* , 92-113.
- Wenner, L. (1985). The nature of news gratifications. In L. Wenner, & P. Palmgren , *Media gratifications research. Current perspectives* (pp. 171-193). Beverly Hills : CA: Sage.
- Wenner, L., & Palmgren, P. (1985). The nature of news gratifications.
- Winterhoff- Spurk , P., Unz, D., & Schwab, F. (2006). Haufiger, schneller, variabler. Ergebnisse einer Langsschnittuntersuchung uber Gewalt in TV - Nachrichten [more frequent, faster, and more variable. Results of a longitudinal study on violence in TV news]. *Publizistik*, 225-237.
- Winterhoff- Spurk, P. (1998). TV news and the cultivation of emotion. *Communications* , 245-556.